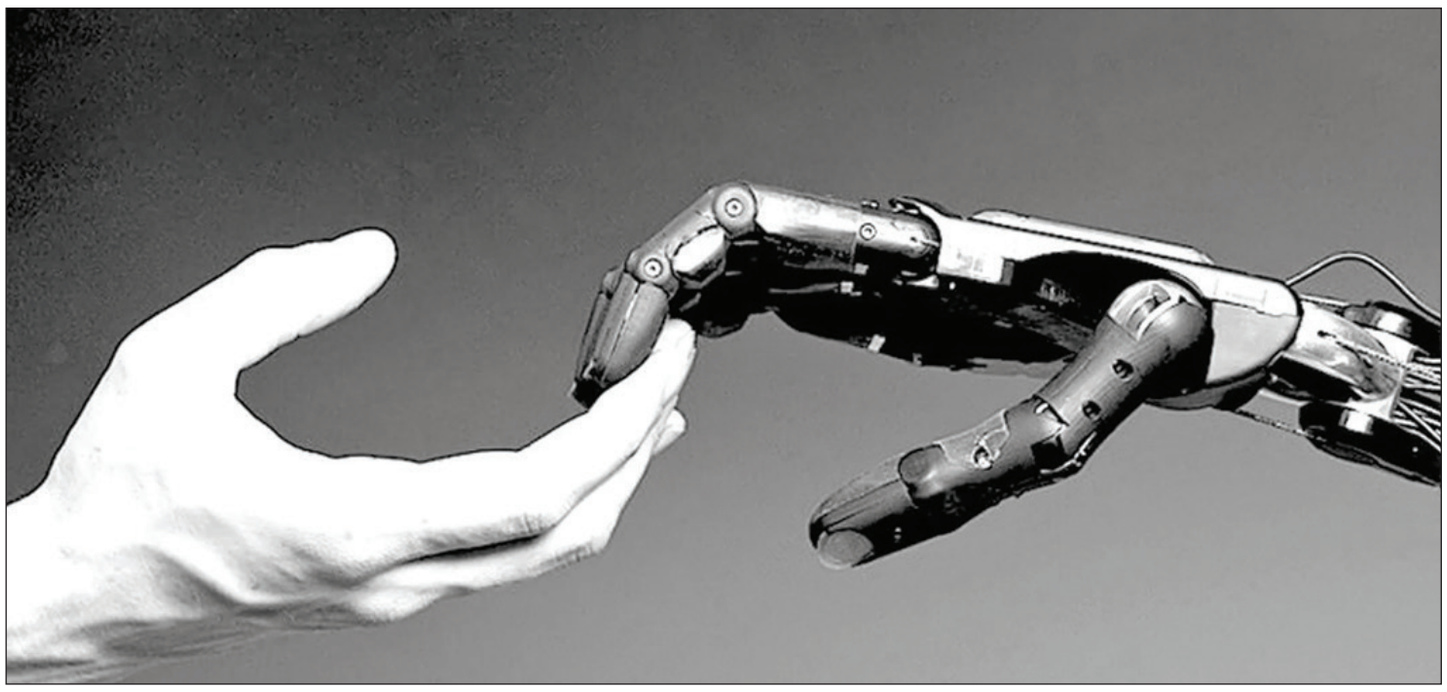

حرکت به سوی تکنولوژی کارآمد

مروری بر دیدگاه‌های آیت‌الله سیدمحمدمهدی میرباقری در باب نسبت دین و تکنولوژی

دین و تکنولوژی

سیدمیثم میر تاج‌الدینی روزنامه نگار

در حوزه مباحث تمدنـــی، یکی از مهم‌ترین پرسش‌ها که پیشینه‌ای طویل دارد، مسئله «نسبت دین و تکنولوژی» است. اندیشمندان مختلفی بسته به خاستگاه‌های حوزوی و دانشـــگاهی و همچنین به فراخور مبانی فکری که از آن دریچه‌ای به‌سوی مدرنیته، غرب، توســـعه و به تبع آن تکنولوژی می‌گشایند، در باب نسبت دین و تکنولوژی سخن گفته‌اند که فهم دقیق نظریات آنها امری مهم برای اندیشمند مسلمان داعیه‌دار برآمدن تمدن نوین اســـلامی است. ازهمین‌رو در سلســـله مطالبی تلاش خواهیم کرد تا نظریات این اندیشـــمندان را بدون هیچ قضاوت و ارزش‌داوری‌ای برای مخاطبان این صفحه گزارش دهیم. در این شماره به اســـتناد دو مقاله «تکنولوژی و فرهنگ، بررسی تطبیقی دیدگاه میرباقری و پایا» اثر «ســـیدمحمدتقی موحد ابطحی و محسن دنیوی» و «جریان‌شناســـی توسعه تکنولوژی» اثر «سیدمحمدمهدی میرباقری» و متن نشست علمی «ماهیت علم و تکنولوژی و نسبت آن با دین» به مرور بخشی از دیدگاه‌های آیت‌الله سیدمحمدمهدی میرباقری، به‌عنوان یکی از نظریه‌پردازان مباحث تمدنی و نماینده پنجمین دوره مجلس خبرگان رهبری و رئیس فرهنگستان علوم اسلامی قم در قالب پرسش و پاسخ پرداخته‌ایم.

چرا اندیشمندان اســـلامی باید به نسبت دین و تکنولوژی بپردازند؟

همه ما اکنون با امـــری جدی به نـــام تکنولوژی مدرن روبه‌رو هســـتیم که تمام عرصه‌ها و اوقات زندگی انســـان را تحت‌تأثیر قرار داده است. کمتر عرصه‌ای از زندگی انسان است که در آن آثار فناوری جدید به چشـــم نخورد. پدیده‌ای که با آن مواجه هستیم، مدعی است که برای آینده بشر می‌تواند امنیت و رفاه و آزادی بیشـــتر را به ارمغان آورد و آن دغدغه‌های قدیمی و کهن بشر را مرتفع کند. پس به‌طور طبیعی باید اندیشمندان دنیای اسلام موضع خویش را با این تکنولوژی مدرن روشـــن کرده و توضیح دهند که آیا این تکنولوژی و رهاورد جدید بشری را به رســـمیت می‌شناسند یا خیر؟ البته ضرورت تبیین نسبت اسلام با دنیای مدرن و تکنولوژی صرفا از باب مقابله با هجوم دنیای مدرن به مرزهای جغرافیایی جهان اسلام نیست. بلکه از این جهت ضرورت دارد که مـــا مدعی یک تمدن جدید هســـتیم و در این تمدن جدید باید نسبت خودمان را با این محصولات بشـــری به روشـــنی تبیین کنیم.

دین به‌صورت مطلـــق تکنولوژی را تأیید می‌کند؟

پیش از پاســـخ بـــه این ســـؤال، خوب اســـت که پرسیده شود: آیا در راه نیل به تمدن مدنظر اسلام و آرمان‌هـــای دینی، تکنولوژی که بـــه‌کار گرفته می‌شود همین تکنولوژی مدرن است یا تکنولوژی دیگری است؟ از این‌رو برای تبیین موضع ضروری است که هم تکنولوژی و هم دین را تعریف کرده و بشناسیم. بدون تعریف این دو، تبیین نسبت بین دین و تکنولوژی ممکن نیست.

تعریف دین چیست؟

دین سه‌گونه تعریف می‌شود: الف) نگاه اول می‌گوید دین یک سلســـله اعتقادات و دســـتورات اخلاقی و احکام شـــرعی اســـت. ب) نگاه دوم از نگاه اول حداقلی‌تر بوده و معتقد است بسیاری از آموزه‌هایی که در معارف دینی ما موجود هستند، جزء اجزای ذاتی دین نیســـتند. یعنی اجزای ذاتی دین بسیار محدودتر از معارف و آموزه‌های موجود اســـت. ج) نگاه سوم اما، دین را طریق جریان سرپرستی خدای متعال در مسیر تکامل بشـــر و تاریخ بشری و ابزار سرپرستی تکامل بشـــر در همه عرصه‌های حیات می‌داند. با این دیدگاه دین ابزار جریان هدایت الهی برای سرپرستی بشر به سمت قرب و ابزار هدایت بشر به سمت تکامل و توسعه قرب و تکامل بندگی خدای متعال است. بنابراین دین صرفا یک سلسله اعتقادات، احـــکام و اخلاق نیســـت و تنها عرصه حیات فردی انسان را پوشش نمی‌دهد بلکه همه عرصه‌های حیات انســـان را در مسیر قرب خدای متعال سرپرستی می‌کند. درنتیجه طبیعی است مناسکی برای بندگی در عرصه‌های مختلف حیات اجتماعی، فردی، عرصه روح و روان، ذهن و اندیشه و رفتار عینی انسان تبیین شود که در این صورت همه تحت ولایت و سرپرستی دین قرار می‌گیرند.

تعریف تکنولوژی چیست؟

تکنولوژی دارای چند سطح است: الف) تکنولوژی به‌عنوان ابزار تولید محصـــول یا خدمت خاص: در این نگاه تکنولوژی ماشین‌آلاتی است که منابعی را به یک محصول خاص تبدیل می‌کند یا خدماتی را ارائه می‌کند. ب) تکنولوژی به‌عنوان ابزار طراحی و مهندسی: در این ســـطح تکنولوژی نرم‌افزاری است که در طراحی‌های گوناگون برای تولید انواع محصولات و خدمات به‌کار می‌آید. ج) تکنولوژی به‌عنوان ابـــزار تولیـــد نرم‌افزار تولیـــد محصول: تکنولوژی در این سطح به‌معنای روشی است که از آن معادلات و علوم کاربردی تولید می‌شود و بخش اساسی و محوری تکنولوژی را تشکیل می‌دهد.

با توجه به ایـــن تعاریف تعامل میان دین و تکنولوژی چگونه است؟

اگر تکنولوژی را شامل این سه سطح ببینید و برای دین هم یک مفهوم عام تبیین کنید طبیعی است، بین این دو تعاملی ضروری و جدی برقرار می‌شود. لذا نمی‌توان گفت دین ارتباطی با تکنولوژی ندارد. تکنولوژی به‌دنبال هدایت و رهبری مجموع فنون عملی حاکم بر زندگی انسان است و دین هم برای همین کار آمده است. دین به یک معنویت مبهم یا یک معرفت دینی محدود تعریف نمی‌شـــود. بلکه دین جریان ولایت الهیه است که همه عرصه‌های حیات را تحت پوشـــش قرار می‌دهد. با این نگاه، تعامل جدی بین دین و تکنولوژی پدیدار می‌شود.

ســـه نوع موضع‌گیـــری در تبیین نســـبت دین و تکنولوژی وجود دارد: الـــف) تکنولوژی و فناوری جدید مطلوب اســـت و اگر نقطه ضعف و کاستی دارد، باید در دل خودش رفع شود. بنابراین ما باید تکنولوژی مدرن را بپذیریم و سعی کنیم به قافله بشری برسیم و شتاب بگیریم و حتی از آن سبقت بگیریم. برای این مقصود، باید یکی از کشـــورهای به‌اصطلاح توسعه یافته و پیشرفته مثل ژاپن را پیش روی خودمان قرار داده و سعی کنیم همانند آنها به تکنولوژی مدرن دست یابیم. ب) نگاه دوم درصدد بومی‌سازی تکنولوژی مدرن است. یعنی تکنولوژی مدرن را بیاوریم و از بین آنهـــا گزینش کرده و آن تکنولوژی را با شرایط اقلیمی و جغرافیایی و فرهنگ خودمان سازگار کنیم. ج) دیدگاه سوم این است که باید دنبال تولید تکنولوژی جدید باشـــیم و سعی کنیم که تکنولوژی کنونی را در یک فرایند تاریخی در تکنولوژی مـــورد نظر خودمـــان منحل کنیم. نکته مهم آنکه این دیدگاه‌ها گاهی یک سلســـله ضرورت‌های عملی را توضیـــح می‌دهند و گاهی اوقات بحث‌های ارزشی را هم مطرح می‌کنند.

این ضرورت‌هـــای عملی و مباحث ارزشی چیست؟

مدعیان تبعیت از غرب در تکنولوژی، ادله عملی دارند. آنها می‌گویند این یک راهی است که بشریت طی کرده و به یک نقطه‌ای رسیده است. ما هرگز نمی‌توانیم از نقطه صفر شروع کنیم و به یک تکنولوژی مدرن دست یابیم. همچنین حرکت از نقطه صفر معقول نیست. این دیدگاه در واقع یک نگاه عملی اســـت. یعنی در عمل ما مجبور به تبعیت از همین تکنولوژی هستیم و نمی‌توان از آن تخلف کرد. این یک راه آسفالت شده کاملا روشن و شناخته شده و علامت‌گذاری شده است که ما این راه را باید طی کنیم.

ما اگـــر بخواهیم یـــک راه جدیـــدی را در عرصه تکنولوژی برویم که یک راه نرفته و تجربه نشـــده است، قطعا با یک امتحانات و چالش‌های سنگین روبه‌رو خواهیم بود. علاوه بر اینکه مقدورات چنین چیزی را نداریم، دنیای مدرن اجازه چنین کاری را به ما نخواهد داد.

اما از نظر ارزشگذاری تکنولوژی، این افراد دو گروه می‌شوند: گروه اول مدعی هستند تکنولوژی مدرن هیچ بار ارزش خاصی ندارد. یعنی اینطور تکنولوژی با خـــودش فرهنگ، ارزش و اعتقـــادات خاصی را به‌دنبال نمی‌آورد و از ایـــن ناحیه پدیده‌ای خنثی است. این شما هســـتید که در عمل به تکنولوژی بار ارزشی می‌دهید و آن را در مسیر خاص و برای اهداف خاص به‌کار می‌گیرید. اما گروه دوم متوجه هســـتند که تکنولوژی مدرن فرهنـــگ و اخلاق خودش را می‌آورد و فرهنگ و اخلاق بر زیباشناسی و ســـایر شـــئون حیات اجتماعی تأثیرگذار است. اینها معتقدند وقتی کـــه تکنولوژی مدرن می‌آید بافت نیروی انسانی را همراه با خودش تغییر داده و اندیشه‌ها و رفتار انسان را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. اما فقط به ضرورت‌ها تکیه کرده و می‌گویند شما ناچار در تبعیت از این تکنولوژی هســـتید. علاوه بر این، آنها که به دین حداقلی معتقد هســـتند می‌گویند «این ارزش‌هایی که تکنولوژی مدرن به‌دنبال خود می‌آورد ارزش‌های بدی نیست. چه اشکالی دارد که این ارزش‌ها هم وارد فضای جامعه ما بشود؟ دین هم به این عرصه‌ها اصلا کاری ندارد. عرصه حیات اجتماعی بشر عرصه دین نیست.»

نگاه دیگری هم وجود دارد که تکنولوژی بار ارزشی و فرهنگی خاص خودش را دارد و این بار ارزشـــی هم بار ارزشی مثبت نیست و به همین دلیل شما می‌بایست تکنولوژی را در یک فرایند تکنولوژی مدرن منحل کنید. اما دقت داشـــته باشید که در تحلیل تکنولوژی، شما هم باید به مفاهیم بنیادین بپردازید و هم مفاهیم بنیادی‌تـــان ناظر به عمل باشـــد؛ یعنی ناظر به چگونگی و رشد تکنولوژی و چگونگی تبدیل و ایجاد تحول در تکنولوژی و... . بنابراین اینکه برخی گفته‌اند به بحث‌های پایه‌ای نباید پرداخت یا به‌عکـــس برخی دیگر بحث‌های پایه‌ای را در یک سلســـله بحث‌های نظری محض خلاصه کرده‌اند که هیچ معطوف به عمل نیست؛ به ما توان عملی برای موضع‌گیری در مقابل تکنولوژی موجود و قدرت ایجاد فناوری جدید نمی‌دهد و این دو نظریه هر دو نقص دارند. اگر بحث در تکنولوژی را از مفاهیـــم بنیادین آغاز می‌کنیـــم، حتما باید گرایش و نگاه ما معطوف به عمل باشد. یعنی نگاهی ناظر به «شدن» و تغییر و تحولات عینی و مکانیزم پیدایش و تغییرات تکنولوژی. بر این اساس آنچه منظور ماست از پیشینه بحث روشن می‌شود.

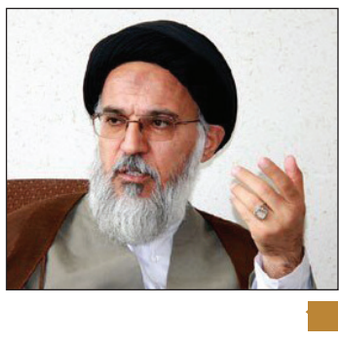

ما معتقدیم فناوری‌های جدید یک سلسله ضعف‌های بنیادینی دارند که آنها را به اینجا کشانده است و ما باید از نقطه‌های بنیادین دیگری آغاز کنیم و به فناوری جدید برسیم. البته معنای این حرف این نیست که ما فناوری‌های موجود را می‌توانیم حذف کنیم، قطعا فناوری‌های جدید جزئی از زندگی و معیشت مادی‌مان است. ما در فضای این فناوری زندگی می‌کنیم ولی از آن طرف هم مجبور به این فناوری‌ها نیستیم؛ اینجاست که نیازمند یک تحلیل عمیق از تکنولوژی هستیم

تکنولـــوژی مـــدرن در جهت آن آرمان‌ها و اهدافی که ادعا کرده، کارآمد بوده است؟ آیا توانسته عدالت عمومی بیاورد؟

الان مسئله اصلی قرن معاصر مسئله دنیای فقیر و غنی است. رمزی کلارک، وزیر اسبق دادگستری آمریکا از کســـانی اســـت که نگاهش به صنعت و تکنولوژی مدرن و نظام مـــدرن غربی در مجموع نگاه منفی است. در یکی از مصاحبه‌های اخیرش از او ســـؤال کرده بودند: به‌نظر شما مسئله اصلی مهم قرن بیســـت و یکم که پیش روی بشر است چیست؟ می‌گوید: مســـئله اصلی، مسئله دنیای فقیر و غنی است و در توضیح اضافه می‌کند: مسئله این اســـت که ما با آن نیروی انسانی مازادی که در فرایند توسعه نمی‌توان برایش کار مفید تولید کرد، چه باید بکنیم؟ با پیشـــرفت و توسعه تکنولوژی و فناوری‌ها نیاز به نیروی انســـانی کم شده است. قسمت عمده‌ای از نیروهای انسانی هستند که در مسیر توسعه به‌کار نمی‌آیند. آیا ما وقتی در مسیر توسعه تکنولوژی بی‌نیاز از نیروی انسانی می‌شویم، برای نیروی انسانی مازاد کار غیرمفید تولید کنیم؟ یا اساسا این نیروی انســـانی مازاد را حذف کنیم؟ کلارک می‌گوید: پیشنهاد دنیای غرب حذف این نیروهاســـت. یعنی به‌طور کلی نسلی که ضعیف است، و قدرت پیشرفت و توسعه ندارد، باید حذف شود. این اندیشه بعضی از فیلسوفان غرب است که می‌گویند چگونه به‌خود حق می‌دهید، حشرات و حیوانات مزاحم را با سمپاشی نسل کشی کنید. به همین دلیل می‌شود آن نسل ضعیف و ناکارآمدی که قدرت هماهنگ شـــدن با بافـــت تکنولوژی را ندارد، حذف کرد.

این فناوری‌هـــای جدید به اقتضای ذاتشان به اینجا کشیده شده‌اند؟

ما معتقدیم این اقتضـــا درون فناوری‌های جدید است و فناوری‌های جدید یک سلسله ضعف‌های بنیادینی دارند که آنها را به اینجا کشـــانده است و ما باید از یک نقطه‌های بنیادین دیگری آغاز کنیم و به فناوری جدید برسیم. البته معنای این حرف این نیست که ما فناوری‌های موجود را می‌توانیم حذف کنیم، یـــا در وهله‌ای از آنها بی‌نیاز شـــویم. قطعا فناوری‌های جدید جزئی از زندگی و معیشت مادی‌مان اســـت. ما در فضای این فناوری زندگی می‌کنیم ولی از آن طرف هم مجبور به این فناوری‌ها نیستیم؛ اینجاســـت که ما نیازمند به یک تحلیل عمیق از تکنولوژی هستیم. باید مفاهیم بنیادین تکنولوژی را موضع بحث قـــرار دهیم و بعد موضع خودمان را براساس آن تحلیل‌های بنیادین نسبت به تکنولوژی مدرن تبیین کنیم و آنگاه سازوکارهای عملیاتی جدیدی برای دستیابی به یک تکنولوژی جدید، برای منحل کردن تکنولوژی کنونی در یک تکنولوژی کارآمد دیگر در مســـیر تمدن اسلامی تبیین کنیم.

جمع‌بنـــدی در قالب طـــرح چند پرسش.

از آنچه گذشت مشخص می‌شـــود که چند کار پیش روی ماســـت. باید اول روشـــن کنیم واقعا تکنولوژی مدرن به نفع بشـــر بوده است یا نبوده اســـت؟ آیا تکنولوژی مدرن می‌توانـــد تکامل را سرپرســـتی کند، یا نمی‌تواند؟ آیا توانسته است ایده آل بشر را تأمین کند؟ و اگر نمی‌تواند تکامل را تأمین کند، چرا نمی‌تواند تکامل را تأمین کند و چه ضعف‌های بنیادینی در آن وجود دارد؟ آیا فرهنگ و ارزش خاصی در آن است؟ آیا تکنولوژی مدرن، تکنولوژی غیردینی و ضددینی اســـت یا خیر؟ اینها مفاهیم بنیادینی است که باید موضوع دقت قرار بگیرنـــد و به‌خصوص باید تکنولوژی را در سطوح مختلفش مورد توجه قرار دهیم و بعد ببینیم آیا این سطوح مختلف تکنولوژی مبانی و غایاتی دارند؟ و اگر در مســـیر این مبانی و غایات قرار گرفتیم، آیا می‌توانیـــم تکامل را تأمین و به بشـــریت خدمت کنیم؟ و بالاتر آیا این مبانی و غایات با دین هماهنگ هســـتند یـــا هماهنگ نیستند؟ این صورت مسئله‌هاست که موضوعات بسیار جدی و پردامنه‌ای داشته و نیاز به بحث‌های طولانی و دقیق و جدی دارد.

گفتمان اسلام

محمدصادق عبداللهی: روزنامه‌نگار

مروری بر دیدگاه استاد شهید مرتضی مطهری در باب نقش تکنولوژی در مشکلات امروز بشر

انقلاب صنعتی، گناه بشر نیست

آنچه در ادامه می‌خوانید تلخیصی از نظر استاد شهید مرتضی مطهری در باب تکنولوژی و ریشـــه مشکلات امروز بشریت اســـت که از کتاب «گریز از ایمان و گریز از عمل» انتخاب و خلاصه شده است. استاد شهید معتقدند ریشه مشکلات امروز بشر تکنولوژی نیست بلکه مشکل در خود انسان است. یکی از نویسندگان خودمان نوشـــته بود در افسانه‌ها آمده است جن‌گیری، جنی را تسخیر کرده بود، هر کاری که به او فرمان می‌داد می‌کرد. ولی چون جن بود و قدرت خارق‌العاده داشت، وقتی که کاری نداشت آزادش نمی‌گذاشت؛ شیشه‌ای داشت، وردی هم بلد بود، این جن را در شیشه می‌کرد. بعد هر موقعی که کاری داشت جن را از شیشه بیرون می‌آورد، کارش را انجام می‌داد و دوباره در شیشه می‌کرد. آن آقای جن‌گیر، شاگردی داشت که همیشه آرزو می‌کرد کار جن‌گیری را یاد بگیرد. با خود می‌گفت خیلی خوب اســـت، آدم همچو نوکر پرقدرتی داشته باشد. به هر کلکی بود آن ورد درآوردن جن از شیشه را پیدا کرد. آنگاه او را از شیشه درآورد. فرمان داد این کار را بکن، کرد؛ آن کار را بکن، کرد. بعد خواست جن را در شیشه بکند؛ آن وردی را که باید بخواند بلد نبود. جن بیکار بود، بعد مزاحم خودش بود.

نوشته بود آن جنی که بشر آن را تسخیر و از قدرت خارق‌العاده او استفاده کرده است همین ماشین است ولی متأسفانه بشر امروز مثل همان شـــاگرد جن‌گیر ماشین را گرفته و استفاده کرده ولی ماشین دیگر بر خودش مسلط شده؛ یعنی علم ابزار و صنعت ساخت برای اینکه بر طبیعت مسلط شود و بر طبیعت هم مسلط شد؛ ولی مخلوق و مصنوع خودش که نامش ماشین است بر خودش مسلط شده اســـت، طبیعت را برایش آلوده و فاســـد و خراب کرده و تمام زندگی اجتماعی‌اش را مســـخر کرده است. امروز بشر مسخر ماشین است نه ماشین مسخر بشر؛ طبیعت را مسخر خودش کرده ولی خودش شده مسخر مخلوق و مصنوع خودش به نام ماشین.

تمثیل «توین بی» درباره اختراع ماشین

حدود ۲سال پیش توین بی، نویسنده معروف تاریخ تمدن، طی مقاله‌ای نوشته بود در کتاب مقدس عهد عتیق [تورات] آمده است که خداوند به آدم و حوا گفت در بهشت از میوه‌های بهشت استفاده کنید، فقط یک شجره و یک میوه بود که آن میوه را منع کـــرد. پدربزرگ ما و مادربـــزرگ ما مدت‌ها در بهشت خوش و خرم بودند ولی آخر شیطان آنها را وسوسه کرد و مرتکب گناه شدند. همین که مرتکب گناه شدند خدا به آنها گفت: دیگر اینجا جای گناهکار نیست؛ شما را می‌فرستم زمین؛ اینجا راحت زندگی می‌کردید، آنجا باید با کد یمین و عرق جبین زندگی کنید. پدربـــزرگ و مادربزرگ ما را از بهشت بیرون کردند، آمدند روی زمین. کم‌کم بچه‌های آدم به‌کار و تســـخیر کردن زمین عادت کردند و از همین زمین برای خودشان یک بهشت جدید ساختند. از چشمه‌های آب زلال و رودخانه‌ها و جنگل‌های زمیـــن و از باران و همه‌چیز زمین استفاده کردند. ناگهان اولاد آدم مرتکب گناه و خطای دوم شـــدند. همچنان که وقتی گناه اول را مرتکب شـــدند محکوم شدند که از بهشت بیرون بروند، متأسفانه در اثر گناه دوم باز محکوم‌اند به بیرون رفتن از این بهشت. [خطای دوم] جز انقلاب صنعتی و اختراع ماشین چیز دیگری نیست.

این بحران‌ها ناشی از ماشین نیست

اما ما هرگز معتقد نیستیم این بدبختی که امروز به نام آلودگی محیط‌زیست و به نام کاهش منابع انرژی در دنیا به‌وجود آمده و این بحرانی که در اثر - به قول خودشان - از خودبیگانگی بشر پیدا شده است، یعنی تولید و مصرف بیش از حد، بدون اینکه موردنیاز باشد و اینکه انسان مسخر ماشین شده است، اینها گناه ماشین است؛ گناه ماشین و صنعت و علم نیست؛ پس گناه کیست؟

در آن مثل شاگرد جن‌گیر گفتم که یک جن قبلاً در شیشه بود، بعد آزادش کرده، حالا نمی‌تواند آن را مهار کند، و گفتند آن جن همین ماشین اســـت. ما می‌گوییم آن جنی که در تسخیر بشر بود و بشر از وجودش استفاده می‌کرد و او را طبق آن مثل در شیشـــه می‌کرد و هر وقت می‌خواست بیرونش می‌آورد، آن جن خود انســـان اســـت یعنی از انسان است، خلق‌وخوی خود انسان است، آن چیزی که در زبان دین به او «نفس اماره» می‌گویند. تنها وردی که می‌تواند این جن را مسخر کند و در اختیار بگیرد، هر وقت خواست از او کار بگیرد و هر وقت خواست او را در شیشه کند، آن ورد جز ورد الهی که نامش ایمان است چیز دیگری نیست.

چرا گناه خودتان را به گردن ماشین می‌اندازید؟! انسان آزاد شـــده اســـت! آن خطایی که به موجب آن انسان بار دوم محکوم شود از بهشت زمین رانده شود، انقلاب صنعتی نیست، انقلاب ضدایمان و مذهب است که در دنیای اروپا پیدا شد. آن روزی که گفت ما بدون ایمـــان می‌توانیم زندگی کنیم. پس با وجود آنچه خود فرنگی‌ها این بحران‌های مادی را مولود ماشین می‌دانند و ماشین، صنعت، تکنیک و انقلاب صنعتی را مسئول این بحران‌ها می‌دانند و راه برگشت هم ندارد (بدیهی است که انسان نمی‌تواند به قول خودشان به عصر الاغ برگردد، هواپیما را رها کند و برود شترسواری و قاطرسواری و اسب‌سواری کند) و می‌گویند جبر است؛ اینطور نیست، مسئول ماشین نیست، مسئول باز هم انسان اســـت. راه برگشت هم دارد. راه برگشت، بازگشت به‌ســـوی حق و به‌سوی ایمان اســـت، و همه اینها از سوءرابطه انسان با انسان پیدا می‌شـــود نه از سوءرابطه انسان با صنعت خودش یا با طبیعت. ســـوءرابطه انســـان با انسان از سوءرابطه انسان با خالقش و با خدای خودش پیدا می‌شود. اگر رابطه انسان با خدایش درست باشد رابطه انسان با انسان درست است. رابطه انسان با انسان که درست باشد صنعت جامد جماد مرده، می‌شود برای انسان و در دست انسان، مانند یک بیل، در هر حدی بخواهد اســـتفاد کند می‌کند و در هر حدی بخواهد استفاده نکند نمی‌کند.

اندیشه انقلاب

رهبر انقلاب: فناوری به مسیرهای غیرانسانی رفته است

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (حفظه‌الله): امروز اشکال بزرگی که بر پیشـــرفت‌های فناوری غربی وارد است، این است که اینها فناوری را در میدان‌هایی که برای بشریت مضر است، وارد کردند. بمب اتمی و بمب شـــیمیایی را اینها ساختند؛ مواد مرگبار برای بشر را اینها به‌وجود آوردند و خودشان هم استفاده کردند.

تولید بمب اتمی هیچ حســـنی ندارد؛ چون تولید وسیله‌ای اســـت که می‌تواند میلیون‌ها نفر را در آن واحد از بین ببرد؛ بنابراین تولید و تکثیرش نادرســـت است و به‌کار بردنش از همه نادرست‌تر اســـت. فناوری در دنیا راه کج و غلطی را در زمینه‌های مختلف طی کرده است. البته در راه‌های مثبت و خوب هم به‌کار افتاده که آنها یقیناً موردسپاس خدا و خلق خداست؛ لیکن در راه‌های کجی هم حرکت کرده است. ما از همین آغاز کار باید مشخص کنیم که در چه رشته‌هایی و در چه مسیری می‌خواهیم فناوری کشور را اعتلا دهیم و رو به پیشرفت ببریم.

منبع: بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار دانشجویان نخبه مورخ ۳۰مهرماه ۱۳۸۲

اندیشه اجتماعی

نفرین زمین؛ روایت داستانی آل‌احمد از تکنولوژی

«نفریـــن زمیـــن» یکـــی از خواندنی‌تریـــن و شـــاید مهم‌ترین آثار جلال آل‌احمد است که در قالب رمان به تأثیر تکنولوژی بر جوامـــع و نزاع سنت و مدرنیته می‌پردازد. در این رمان معلمی برای تدریس به روستایی دورافتاده فرستاده شده است؛ او ماجرای تحولات و رویدادهای آبادی و هر آنچه در مدت ۹ماه اقامت خود در ده دیده، شنیده و آزموده را به‌صورت یادداشت‌های روزانه ثبت می‌کند.

آقا معلم در یادداشت‌های روزانه خود ما را از نزدیک در جریان تأثیر ورود تکنولوژی‌هایی همچون تراکتور و آسیاب‌برقی بر سبک زندگی مردم روستا به‌عنوان جامعه‌ای سنتی می‌گذارد. بنا بر اعتقاد برخی، کتاب نفرین زمین بیش از اینکه یک اثر هنری باشد، سندی اجتماعی محســـوب می‌شـــود. آل‌احمد در این اثر ارزشمند که در سال ۱۳۴۶ نوشته شده، کوشیده است تا تحلیلی اجتماعی از عصر خود ارائه و نسبت به وقوع تجدد که از دیدگاه او آفت‌هایی ویرانگر همراه خواهد داشت، هشدار دهد.

در این کتاب آل‌احمد نشان می‌دهد که چگونه ورود تراکتور در جامعـــه‌ای، موجب تغییـــر باورها و وجه معرفتی و نگاه افراد به مســـئله کار می‌شود و چگونه تراکتور که نمـــادی از تکنولوژی اســـت می‌تواند به تغییرات اجتماعی بزرگ بینجامد.

اندیشه فناوری

۱۲نیروی فناورانه که آینده‌مان را رقم می‌زند

کویـــن کلـــی در «آینده نزدیـــک» از آینـــده‌ای می‌گوید که هـــر لحظه در حال آمدن اســـت و انسان نمی‌داند کـــه دارد به چه ســـمت و ســـویی می‌رود؛ بهترشدن یا بدتر شد؟ اتوپیا یا دیستوپیا؟ او معتقد است ما نه به ســـمت اتوپیا و نه به‌سوی دیستوپیا می‌رویم بلکه مسیر پروتوپیاســـت. همین جهان امروزی که دائما در حال تغییر است. نویسنده در این کتاب به ۱۲ روندی اشاره دارد که در ۳دهه آینده اجتناب‌ناپذیر خواهند بود و روش کار، یادگیری و ارتباطات‌مان را تعیین می‌کنند. روندهایی که به‌گفته او اجتناب‌ناپذیرند و ممنوع کردن‌شـــان نتیجه وارونه می‌دهد. هدف کلـــی در این کتاب، آشـــکار کردن ریشه‌های این تغییر دیجیتال است تا بتوانیم آگاهانه با آنها همگام شویم.

۱۲روندی که او بدان‌ها اشـــاره دارد عبارتند از: بهتر شدن، هوشمندســـازی، جریان داشـــتن، مرور صفحـــه نمایش، دسترسی داشتن، اشـــتراک‌گذاری، فیلتر کردن، بازآرایی، تعامل کردن، پیگیری کردن، پرسشگری و آغاز کردن.

کتاب «آینده نزدیک» از سوی انتشارات آموخته و با ترجمه شایان تقی‌نژاد منتشر شده است. علاوه بر نسخه چاپی، نسخه الکترونیک کتاب در نرم‌افزارهای کتابخوان نیز موجود است و همچنین پادکســـت Bplus تلاش کرده تا خلاصه‌ای از مهم‌ترین نکات آن را در یک اپیزود مرور کند.